

حمید الدین کرمانی - اندیشه‌ی اسماعیلی در عصر الحاکم

نوشته‌ی پل. ا. واکر (آی بی توریس لندن و نیویورک با همکاری انتشارات اسلامی با مسئولیت محدود، ۱۹۹۹) ۱۴ ص + ۱۶۸ ص. شابک گالینگور ۱۸۵۰۴۳۳۲۱۳ و شابک جلد مقوایی ۱۸۵۰۴۳۴۲۰۱.

هدف پل واکر در نوشتن این کتاب معرفی حمید الدین کرمانی (وفات پس از ۴۱۱ ه. ق. / ۲۱-۱۰۲۰ م.)، داعی^۱، دانشور و نویسنده‌ی مهم اسماعیلی عصر خلیفه امام الحاکم بأمر الله (۳۸۶/۹۹۶ تا ۴۱۱/۱۰۲۱) برای خوانندگان انگلیسی زبان است. این کتاب شامل درآمدی مختصر اما مفید، شش فصل و چهار ضمیمه است و این بخش‌ها را باید به ترتیب خواند چون هر بخش مبتنی بر بخش‌های پیشین است. این نکته به ویژه برای خوانندگان عام‌تر مهم است چون این اثر می‌تواند مقدمه‌ای بر شناخت شخصیت کرمانی باشد.

کتاب واکر اثری است بسیار مهم در مطالعه‌ی اندیشمندان اسماعیلی در تاریخ. نویسنده فرض را بر این نگذاشته است که خواننده اطلاعاتی قبلی درباره‌ی کرمانی داشته باشد. از آن‌جا که درباره‌ی کرمانی مطالب بسیار اندکی نوشته شده است و آن‌چه که درباره‌ی او می‌دانیم از آثار خود او برداشت شده است، کتاب واکر عمدتاً مبتنی بر منابع اولیه است هر چند دُسمِت^۲ را نیز به عنوان منبعی که ارجاعات و تفصیل‌های فراوانی دارد در تحکیم این کتاب به رسمیت می‌شناسد^۳. کتاب واکر جامع و عمیق است. این اثر توقع خواننده‌ی متخصص را با عمیق و انتقادی بودن بر آورده می‌کند اما در همان حال برای خواننده‌ی عام نیز که ممکن است دانشی قبلی از آثار کرمانی نداشته باشد، اثری است سهل الوصول^۴.

^۱ داعی، در لفظ، یعنی کسی که به چیزی دعوت می‌کند. در این متن، یعنی «کسی که تعلیم دین خدا یا دعوت به دین خدا را بر عهده دارد.»

^۲ نک. به دانیل دُسمِت، *La Quiétude de L'intellect: Neoplatonisme et gnose ismaélienne dans l'oeuvre de Hamîd ad Dîn al-Kirmânî (Xe/XIes)*, Louvau, 1995. واکر درباره‌ی تحقیق دُسمِت درباره‌ی راحة العقل کرمانی می‌گوید: «این کتاب، حداقل، اثری است مهم برای فهم محققان‌ی کرمانی که کرمانی شایسته‌ی آن بوده است اما هرگز چنین مطالعه‌ای درباره‌ی او انجام نشده.» (واکر، ص. ۱۲ مقدمه).

^۳ مایه‌ی خشنودی است که اگرچه واکر بلافاصله شروع به استفاده از اصطلاحاتی مثل داعی، دعوت و مجالس الحکمه می‌کند، فرض نمی‌کند که خواننده با این اصطلاحات آشنا باشد و توضیحی درباره‌ی آن‌ها ارائه می‌کند. این اصطلاحات در این مقاله برای خواننده‌ی عمومی ارایه شده‌اند تا یاریگر خواندن کتاب باشند.

کرمانی کیست؟

بعضی از مورخان، دوره‌ی فاطمی را «عصر طلایی» مذهب اسماعیلی خوانده‌اند و چنان‌که دفتری می‌گوید^۴، کرمانی «چه بسا، دانشمندترین و مستعدترین متکلم و نویسنده‌ی اسماعیلی عصر فاطمی بوده است»^۵. کرمانی دارای لقب پر احترام «حجت العراقین» بوده است یعنی داعی بزرگ دو عراق. این نشان می‌دهد که جزایر یا منطقه‌های فعالیت او شامل عراق و بخش‌هایی از ایران که مشهور به «عراق عجم» بوده است^۶.

در این جا خالی از فایده نیست که توصیفی از «داعی» داشته باشیم. پروفیسور عظیم نانجی و دکتر عزیز اسماعیل این توصیف را به ایجاز و اختصار چنین بیان کرده‌اند:

«از داعی آرمانی... انتظار می‌رفت که نه تنها سرمشقی در زندگی اخلاقی باشد بلکه واجد دانشی عمیق از معارف عقلانی معتبر زمان باشد. منطق، بلاغت و وفقه در شمار دستیافت‌های عقلانی او به شمار می‌آمدند که در کنار دانش سیاست و روابط عمومی شخصیت داعی را شکل می‌دادند. داعی‌ای که مجهز به این توانایی‌ها بود نه تنها مردم را دعوت به بیعت با امام بر حق می‌کرد، بلکه مدافع رفاه اجتماعی، اخلاقی و معنوی پیروان امام نیز بود. نهایتاً داعیان نه تنها مسئول تسریع استقرار دولت اسماعیلی بودند بلکه همچنین متکفل تبیین مقاصد بنیادین اعتقادی و اخلاقی‌ای بودند که دولت اسماعیلی باید در خدمت آن‌ها باشد»^۷.

^۴ فرهاد دفتری، «تاریخ و عقاید اسماعیلیه» کیمبرلیج، ۱۹۹۰، ص. ۱۴۴ متن انگلیسی.

^۵ همان، ص. ۱۹۳

^۶ همان، ص. ۱۹۳. چه بسا این عنوان را در تاریخی بعدتر به کرمانی داده باشند چون در هیچ کدام از آثارش به آن اشاره نشده است. فقیر محمد هونزایی، «مفهوم توحید در اندیشه‌ی حمید الدین کرمانی»، رساله‌ی دکترا، مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی، دانشگاه مک‌گیل، ۱۹۸۶. حامد حاجی نیز همین نکته را در کتاب «یک داعی برجسته در سایه‌ی فاطمیان: حمید الدین کرمانی (حدود ۴۱۱/۱۰۲۰) و رسالات‌اش» (لندن، ۱۹۹۸، ص. ۱۰) عنوان می‌کند.

^۷ ع. اسماعیل و ع. نانجی، «اسماعیلیان در تاریخ»، «سهم اسماعیلیان در فرهنگ اسلامی»، ویراسته‌ی سید حسین نصر، تهران، ۱۹۷۷، صص. ۲۳۲-۲۳۳.

دفتری تعریف‌هایی از اصطلاحات «دعوت» و «حجت» ارائه می‌کند که ممکن است برای خواننده مفید باشد.^۸

«دعوت، نوعی مأموریت یا تبلیغ بود؛ به مفهوم دینی-سیاسی کلمه، دعوت فراخواندن با طرف‌داری یا حمایت از یک فرد یا خانواده است که مدعی حق امامت هستند، و همچنین با کل سلسله مراتب این دستگاه نیز اشاره می‌کند که در سازمان دینی خاصی که بدین منظور شکل گرفته بود، «حدود» نامیده می‌شدند. این دستگاه یا سازمان غالباً دعوت یا به طور رسمی تر «الدعوة الهادیة» نامیده می‌شد.»

«حجت مقامی است بلندمرتبه در سلسله مراتب دعوت اسماعیلیان فاطمی؛ حجت‌ها دوازه نفر بودند و هر یک مسئولیت یک منطقه، یا «جزیره»ی جداگانه از دعوت را عهده‌دار بودند.»

کرمانی یکی از نخستین داعیان شرقی ایران است که در قاهره، پایتخت فاطمیان، به دعوت امام زندگی کرده است. کرمانی زمانی که به قاهره رسید، با چالش‌های عظیمی در رسیدگی به مسایل تفسیر دین در درون دستگاه دعوت مواجه شد. او یکی از مدافعان و مبلغان امام الحاکم بود. امام «مجالس الحکمه»^۹ را موقتاً به خاطر نگرانی از دستوراتی که بعضی از داعیان می‌داند، به تعلیق در آورده بود. کرمانی فضای قاهره را هنگام ورودش چنین توصیف می‌کند:

«وقتی که هم‌چون مهاجری به مقام نبوی رسیدم،... آسمانی را دیدم که ابرهای تیره‌ی تشت آن را فراگرفته بود، مردم زیر فشارهای عظیم بودند، رعایت فرایض پیشین ترک شده بود، و مؤمنان از آنچه که کسب کرده بودند، محروم شده بودند.»^{۱۰}

آثار کرمانی

^۸ برای واژه‌نامه، نگاه کنید به دفتری، صص. ۵۶۷-۵۵۸ متن انگلیسی.

^۹ واکر، ص. ۴ پانویشت. در طی «مجالس الحکمه»، داعی بزرگ درس‌هایی را برای مؤمنان تقریر می‌کرد. این جلسات به طور هفتگی برگزار می‌شدند و شرکت‌کنندگان زیادی داشت و گاهی اوقات به سه جلسه در هفته نیز می‌انجامید. مکان برگزاری این جلسات به عنوان «دار الحکمه» یا «دار العلم» مشهور بود.

^{۱۰} واکر، ص. ۱۷.

کرمانی دانشمندی با مطالعات وسیع بود و به جز عربی دانش‌های زبانی دیگری هم داشت. به این ترتیب، او دسترسی به منابع متعددی داشت اما همواره امام را به عنوان مرجع و منبع نهایی خود ذکر می‌کرد. او در رأس دعوت بود و بسیاری از داعیان هم‌عصرش او را مرجعی به حساب می‌آوردند که هنگام تردید درباره‌ی موضوعی برای روشننگری به او مراجعه می‌کردند.

هر چند او آثار بسیاری در زمینه‌ی فلسفه و دین نوشته بود و علی‌رغم سهمی که در اندیشه‌ی اسلامی داشت، اطلاعات بسیار اندکی از او موجود است. یکی از عواملی که باعث دشواری مشخص کردن تقدم و تأخر آثار کرمانی می‌شود این است که او غالباً در آثارش به سایر کتاب‌های خودش ارجاع می‌دهد.^{۱۱} این نشان می‌دهد که کرمانی ممکن است آثار قبلی‌اش را بازنگری کرده باشد و به این ترتیب، در خلال آن‌ها به سایر آثار قبلی‌اش ارجاع می‌داده است. اما، در خصوص کتاب‌های متأخر وی آسان‌تر می‌توان ترتیب‌شان را مشخص کرد. واکر، در ضمیمه‌ای که آورده است مروری بر آثار کرمانی دارد، که هدف‌اش تحکیم نظریه‌ی ترتیب زمانی و اصالت آثار کرمانی است.^{۱۲}

کرمانی نویسنده‌ای پرکار بوده است و درباره‌ی موضوعات حساس متفاوتی کتاب نوشته است. سایر اعضای دعوت نیز برای او احترام فوق‌العاده‌ای قایل بوده‌اند و علاوه بر آن، مورد اعتماد امام وقت برای رسیدگی به مسایل حساس درون دستگاه دعوت نیز بوده است.

واکر زمان کرمانی را «عصر اشتیاق شدید به فهم اسماعیلی از اسلام و دعوتی که مبلغ آن بود» توصیف می‌کند. کرمانی سهمی مهم در دانش‌های اسلامی و کار دعوت اسماعیلی داشته است. واکر می‌نویسد:

^{۱۱} کرمانی غالباً در آثارش به کتاب‌های دیگرش ارجاع می‌داد و تشخیص ترتیب زمانی آن‌ها را دشوار می‌کرد. این آثار گاهی متقابلاً از یکدیگر نقل می‌کردند و این نشان می‌دهد که کرمانی در طول تدریس‌اش در قاهره بعضی از این متون را بازنگری می‌کرده است و ارجاعاتی به سایر آثارش می‌افزوده تا نکته‌ی خاصی را در اثر حاضرش تحکیم کند. یکی از مزیت‌های عمده‌ی این کار این است که به بررسی اصالت بعضی از آثار کرمانی کمک می‌کند چون از متن او می‌شود فهمید چه آثار دیگری نوشته است.

^{۱۲} بنا به بعضی از روایات، کرمانی در قاهره از دنیا رفت. اما این محتمل به نظر نمی‌رسد، چون اثر اصلی او، راحة العقل در عراق تألیف شده است (چنان‌که در متن به آن تصریح رفته است) و این متن تاریخ مرگ او را ۱۰۲۰-۱ یا بعد از آن ذکر می‌کند.

«کرمانی مدافعی نیرومند و اندیشمندی مستعد در حمایت از الحاکم بوده است که هرگز در حمایت و دفاع از امامت او کوتاهی نکرد. علاوه بر این، دستیافت‌های علمی و دانش کرمانی پهلوی به پهلوی بسیار از معاصرانش می‌زد، از جمله شاید هم‌رتبه‌ی ابن سینا بود.»^{۱۳}

اگر چه بعضی از کتاب‌های او مفقود شده‌اند، اما باز هم می‌توانیم با اطمینان آن‌ها را میان آثار کرمانی فهرست کنیم، چون کرمانی خود در آثار دیگرش که مفقود نشده‌اند به آن‌ها اشاره کرده است.

علاوه بر این، مقامات طیبی، بسیاری از آثار عربی قدیمی‌تر را جمع‌آوری و حفظ کرده‌اند. جدای شواهدی که در آثار خود کرمانی دارید، ادريس (متوفی ۸۷۲/۱۴۶۸)، داعی ریس دعوت طیبی، فهرستی مهم از آثار کرمانی ارایه کرده است.

واکر بر اساس این شواهد و با تکیه بر فهرست ادريس، اظهار می‌کند که کرمانی ۲۹ کتاب و رساله نوشته است. مهم‌ترین اثر او «راحة العقل» است و واکر یک فصل کامل از کتاب را به بحث درباره‌ی فقط همین یک اثر اختصاص داده است. رساله‌های دیگر او شامل «کتاب الرياض»، «رسالة النظم» و رساله‌های کوتاه‌تری همچون «رسالة الحاویة» و «رسالة اللازمه» است.

واکر می‌گوید:

«در عصر مشارکت‌های خلاقانه و عمیق در اندیشه‌ی اسلامی، همین یک اثر نشانگر اوج عقلانی و نقطه‌ی بلند دستیافت‌های اسماعیلی است.»^{۱۴}

میراث کرمانی

کرمانی را باید به دو دلیل بزرگ داشت که نخستین آن مشارکت او در امر دعوت است:

«... در ادبیات اندیشه و علم این دوره، هیچ چهره‌ی دیگری در دعوت اسماعیلی نیست که به گرد پای کرمانی برسد. در نتیجه، جا دارد که او را سخنگوی دعوت فاطمی و آثار او را در زمره‌ی نفیس‌ترین

^{۱۳} واکر، ص. ۳.

^{۱۴} همان، ص. ۴۶.

علاوه بر این، «اسماعیلیان دوره‌های بسیار بعدتر که به این دوره نگاه می‌کنند، بیشتر این دوره را با آثار کرمانی می‌شناسند.»^{۱۶}

ثانیاً، او را باید دانشمندی هم‌ردیف هم‌عصرانی چون ابن سینا به شمار آورد.^{۱۷} کرمانی بر علوم فلسفی، و دانش‌های کلامی زمان خود مسلط بود و می‌توانست آن‌ها را به زبانی ترجمه می‌کند که قابل استفاده در آثار دعوت اسماعیلی برای دانشمندان و اعضای جماعت باشد. چنان‌که دیدیم، کرمانی رساله‌های و کتاب‌های زیادی درباره‌ی موضوعات متنوعی و برای مخاطبان گسترده‌ای نوشته است.

ساختار کتاب

در فصل آغازین، واکر صحنه‌ی ورود کرمانی را به قاهره توصیف می‌کند که امام الحاکم بأمر الله از او دعوت کرده است. او به بررسی مسایل عمده‌ای مربوط به امام و فضایی می‌پردازد که در پایتخت فاطمیان در انتظار کرمانی بود. از این فصل نخست، خواننده بعضی از چالش‌های پیش روی کرمانی و اهمیت کار او را در می‌یابد.

در فصل دوم کتاب، واکر به بررسی آثار کرمانی و اهمیت تعیین اصالت و ترتیب زمانی آن‌ها می‌پردازد. واکر آثار کرمانی را در بستر تاریخی‌شان قرار می‌دهد و توضیحی از دلیل تألیف آن‌ها و مخاطب‌شان ارائه می‌کند.

در فصل سوم کتاب، واکر به بررسی ساختار سلسله مراتب دعوت می‌پردازد و جایگاه کرمانی را به عنوان عضو این دستگاه بررسی می‌کند. رابطه‌ی میان داعیان متفاوت چه بود و هر کدام چه نقشی ایفا می‌کردند؟ کرمانی همچنین هدف‌اش بررسی منابع آثار کرمانی است و در پی این است که بداند فلسفه‌ی او تا چه حد شبیه یا

^{۱۵} همان، ص. ۱۲ مقدمه.

^{۱۶} واکر، ص. ۱۱ مقدمه.

^{۱۷} همان، ص. ۳.

متفاوت با اندیشه‌های داعیان دیگری همچون سجستانی بوده است.^{۱۸}

فصل چهارم اختصاص دارد به بررسی تفصیلی عقیده‌ی «رعایت دوگانه» نزد کرمانی که مضمون‌اش این است که ایمان راستین را عمل و علم معین می‌کند.^{۱۹} در نتیجه، این پرسش بنیادین که «ایمان چی‌ست؟» یک بار دیگر پدیدار می‌شود و با توجه به این‌که این پرسش یکی از پرسش‌های مهم کلامی و فلسفی در طول تاریخ بوده است، مایه‌ی امیدواری است که واکر وقت می‌گذارد تا خواننده را راهنمایی کرده و با عقیده‌ی کرمانی به شیوه‌ای تفصیلی اما روشن آشنا کند.

اصل توحید در اسلام و برای کرمانی محوری است. ایمان باید مبتنی بر فهم این اصل باشد. مفاهیم متعدد یا حقیقت‌های بنیادین دیگری نیز هستند که باید به عنوان مبنای ایمان فهمیده شوند و این معرفت، چنان‌که در فصل چهارم بررسی می‌شود، باید در کنار عمل به ایمان حاصل شود. واکر فصل پنجم کتاب‌اش را به بحث درباره‌ی این عقیده اختصاص می‌دهد.

در فصل واپسین، واکر به کتاب اصلی کرمانی توجه می‌کند که در اواخر حرفه‌ی او نوشته شده است، یعنی کتاب «راحة العقل».^{۲۰} کرمانی در این کتاب مهم هدف‌اش «...ارایه‌ی راهنمای کاملی است که به خواننده اجازه می‌دهد که بفهمد یا دقیقاً درک کند که چگونه می‌توان به آن بهشت خرد دست یافت»^{۲۱}. می‌گویند راحة العقل «...اولین تلاش برای ارایه‌ی یک نظام مدون از فلسفه‌ی اسماعیلی است»^{۲۲}.

^{۱۸} ابویعقوب سجستانی. تاریخ وفات‌اش مشخص نیست هر چند تخمین زده می‌شود که پس از سال ۳۶۰/۹۷۰ وفات یافته باشد. واکر کتابی مفصل درباره‌ی سجستانی نوشته است با عنوان «ابو یعقوب سجستانی: داعی متفکر»، آی بی توریس، ۱۹۹۶. بعضی گفته‌اند که کرمانی ممکن است زیر نظر سجستانی تحصیل کرده باشد اما این چندان محتمل نیست چون کرمانی حدود ۵۰ سال از او جوان‌تر بوده است و اختلافات بسیار مهمی در فلسفه‌ی آن‌ها وجود دارد. واکر، ص. ۲۷، هونزایی، ص. ۹ و دانشنامه‌ی اسلام (انگلیسی)، ج. ۵، J.T.P.، دو برواین، ۱۹۸۶، صص. ۷-۱۶۶.

^{۱۹} واکر، ص. ۶۷.

^{۲۰} ظرایف زیادی در ترجمه‌ی این القاب و عناوین هست. برای بحث مفصل درباره‌ی این‌ها، نک. به واکر، ص. ۱۰۴.

^{۲۱} همان، ص. ۱۰۵.

^{۲۲} دانشنامه‌ی اسلام (انگلیسی)، ج. ۲، صص. ۷-۱۶۶.

ممکن است کسی بپرسد عقاید کرمانی چه سودی برای خواننده‌ی امروزی دارد؟ موضوعاتی همیشگی چندی هستند که او به آن‌ها می‌پردازد و برای هر کسی که به فلسفه و کلام اسلامی علاقه‌مند باشد و به خصوص به پرسش‌های مربوط به ایمان، ولایت دینی و مابعد الطبیعه، مهم هستند.

نخستین این‌ها، اصل «رعایت دوگانه» است. کرمانی می‌گوید که ایمان راستین، در عقاید اسماعیلی، ترکیبی است از دانش و عمل. این یعنی برقراری تعادلی میان ظاهر و باطن در عمل به شریعت و معرفت خداوند. ایمان را تنها عمل به فرایض نشان نمی‌دهد بلکه ایمان باید جنبه‌ای عقلی نیز داشته باشد. عمل به فرایض دینی و رعایت شریعت باید مبتنی بر فهم این قوانین و مناسک باشد.^{۲۳}

دومین موضوعی که کرمانی به تفصیل درباره‌ی آن نوشته است و برای خواننده‌ی اسماعیلی امروزی مفید است، نقش امام حیّ و حاضر است. کرمانی می‌گوید که مؤمنان مکلف به شناختن خدا هستند. شناخت خدا باید بخشی از ایمان راستین دینی باشد.

این نکته ما را به این پرسش می‌رساند: آیا همه‌ی مؤمنان این توانایی عقلی را دارند که به شناخت خدا برسند و دسترسی به منابعی مثل قرآن و سایر متون کلامی و فلسفی داشته باشند؟ آیا این لزوماً به این معنا نخواهد بود که ایمان چیزی است که تنها اندیشمندان و عقلا می‌توانند به آن برسند؟ اگر وضع این باشد، به این‌جا می‌رسیم که کرمانی نیاز دارد که ایمان را بر حسب موازینی فردی از نو تعریف کند که همه‌ی مؤمنان را در شناخت خداوند در یک مرتبه قرار می‌دهد چون ایمان چیزی نیست که تنها نصیب دانشوران باشد.^{۲۴}

^{۲۳} واکر، فصل ۴.

^{۲۴} این خود منجر به پرسش فلسفی مهمی می‌شود: آیا کرمانی بیش از حد بر جنبه‌ی معرفتی یا عقلانی دین تأکید می‌کند؟ جنبه‌ی فردی یا مؤلفه‌ی مؤثر ایمان چه می‌شود؟ می‌توان ادعا کرد که معرفتی کاملاً سوژکتیو از خدا معتبر است. توصیفی که کرمانی از ایمان می‌کند برای کسانی که رهیافتی خرد-گریز یا عرفانی را اختیار می‌کنند، چه اقتضائاتی دارد؟ سورن کی‌یرکه‌گارد (متولد کپنهاک، دانمارک در سال ۱۸۱۳) فیلسوفی برجسته بود که مهم‌ترین اثرش «ختم پس‌نوشت غیرعلمی» بود. در این اثر، او فلسفه‌ی غالب زمان خود را به چالش می‌گیرد. کی‌یرکه‌گارد، حقیقت و ایمان را به عنوان «سوژکتیویته» تعریف می‌کند. حقیقت چیزی است که باید از آن خود کرد، و چون ایمان فرایند شدن است، تا دانستن عینی و محض، حقیقت به یک اندازه برای همه در دسترس است. حقیقت را می‌توان یافت و برای وجود خویش آن را امری

در عوض، این نکته مبنای تبیین کرمانی می‌شود از این اندیشه که همیشه به امامی حیّ و حاضر برای تفسیر و حفظ پیام مقدسی که به حضرت محمد نازل شد، حاجت هست. داعیان تحت نظارت مستقیم امام کار می‌کردند تا این پیام و مفاهیم مندرج در آن را برای مؤمنان به شیوه‌ای تبیین کنند که هم صداقت عقلانی داشته باشد و هم صورتی سهل الوصول داشته باشد. پس این معرفتی که از سوی خدای علیم رسیده است که مؤمنان نمی‌توانند او را مستقیماً بشناسند، چگونه به مؤمنی می‌رسد که تکلیف دینی‌اش فهم مفاهیمی بنیادین دین است؟

واکر فلسفه‌ی کرمانی را درباره‌ی نیاز به امام زنده را توضیح می‌دهد:

«در غیاب آخرین پیامبر یا قائمی که قرار است بیاید، عقل حکم می‌کند که نفوس انسانی به دانشی دسترسی داشته باشند که برای کمال غایی آن‌ها و رستگاری‌شان لازم است. آن‌ها اگر نتوانند راهی به سوی خدای خویش بیابند، چون آن دانش به دلیل انسان بودن‌شان در دسترس‌شان نیست، لازم می‌آید که خدا کسی را برای راهنمایی آن‌ها معین کند. از آن‌جا که او حکیم است بر او واجب است که کسی را در این دنیا معین کند که به او علم آموخته باشد و به واسطه‌ی فیض الهام‌بخش او باشد تا معلم و راهنمایی برای نفس باشد تا نفس به کمال خود برسد.»^{۲۵}

مهم است که در عین به رسمیت شناختن کرمانی به عنوان دانشمندی برجسته به جای خود، این را به یاد داشته باشیم که آثار او پیوند تنگاتنگی با امام الحاکم بأمر الله داشته است. کرمانی بر حسب توصیه‌ی امام، همیشه برای مخاطبانی خاص یا درباره‌ی موضوعی خاص می‌نوشته است. چنان که واکر اشاره می‌کند، کرمانی تنها «یک

محوری قرار داد بدون اعتنای به این‌که انسان دانشور باشد یا با مسیح فاصله‌ی تاریخی داشته باشد. ادعا شده است که آنچه کی‌یرکه‌گارد مدافع آن است نفی عینیت و خرد است در نتیجه، ایمان امری می‌شود کاملاً سوژکتیو. کی‌یرکه‌گارد، اما، در برابر چنین تفسیری موضع می‌گیرد. او می‌گوید ایمان سوژکتیویته‌ی محض نیست، چون چنین چیزی دیوانگی است. در عوض، ایمان، نوعی از آن خود کردن یک پارادوکس است. پارادوکسی که از طریق خرد فهم نمی‌شود و در نتیجه باید با ایمان به استقبال آن رفت. نک. به «دانشنامه‌ی فلسفه»، السدر مک‌اینتایر، ج. ۳ و ۴، پل ادواردز، ۱۹۷۲.

^{۲۵} واکر، ص. ۱۱۱.

دانشمند مستقل نبوده است که به تمایلات شخصی علمی خودش می‌پرداخته بلکه خادمی متعهد بوده است در خدمت هدفی مهم... در خدمت هدف خاص، که بخشی از آن هدف خود او بوده و بخشی هدف دعوتی بوده است که او مدافع آن بوده.^{۲۶} او برای منفعت سایر داعیان می‌نوشته است که گاهی به موضوعات تفسیر دین که به ویژه در اواخر دوره‌ی امامت الحاکم پدیدار شدند، رسیدگی کنند. هدف او در تمام این نوشته‌ها، اطمینان حاصل کردن از تفسیر درست دین بوده است. این نکته‌ای است که کرمانی سخت به آن تعلق خاطر دارد. او در آثارش به مؤمنان یادآور می‌شود که باید تعادلی میان جنبه‌های ظاهری و باطنی دین باشد و این در زمانی است که تأکید بیش از اندازه‌ای بر یکی از جنبه‌ها می‌شود که باعث به خطر افتادن جنبه‌ی دیگر می‌شود. بعضی از نوشته‌های او مشخصاً خطاب به کسانی است از بر هم خوردن این توازن استفاده می‌کردند و اسماعیلی را «غالی» می‌نامیدند و کسانی به شمار می‌آوردند که شریعت را نفی کرده و تنها به جنبه‌ی باطنی دین اهمیت می‌دادند.

بالاخر از هر چیز، به عنوان عضوی از دستگاه دعوت، تحت نظارت مستقیم امام وقت، وظیفه‌ی کرمانی تدریس بود. او و داعیان هم‌عصرش مسئول آموزش جامعه در مسایل مهم عقلانی بودند. «در نتیجه‌ی تلاش‌های کرمانی، یکپارچگی و اتحاد قابل توجهی حاکم و همبستگی دستگاه دعوت ترمیم شد»^{۲۷}. ادریس، داعی طیبی، درباره‌ی او می‌گوید:

«او همچون بارانی عظیم بر مرغزارانی بود که مدت‌های خشکسالی کشیده بودند. با روشنگری‌های او، تیرگی‌های اندوه‌بار رخت بر بستند و با دانش روشن او و نور هدایت‌اش، برتری امامان آشکار شد»^{۲۸}

این کتاب منبعی است عالی برای خواننده‌ای که در جست‌وجوی مروری روشن بر فضای قاهره در زمان امام الحاکم، کار دعوت به طور کلی و کرمانی به طور خاص باشد. کرمانی به موضوعات بسیاری می‌پردازد که برای خواننده‌ی اسماعیلی امروزی همانند آن روزگار، مهم است: مسأله‌ی ایمان و «رعایت دوگانه»، نیاز به امام

^{۲۶} همان، ص. ۲۵

^{۲۷} هونزایی، ص. ۱۵

^{۲۸} همان، ص. ۱۵

حاضر نیاز به توازن و تعادل میان جنبه‌های ظاهری و باطنی زندگی و نیاز به داشتن فهمی عقلانی از مفاهیم محوری دین.

برای مربیان آموزش دینی و هر کسی که می‌خواهد درباره‌ی پرسش‌های گسترده‌ای همچون پرسش‌های زیر تأمل کند، کتاب واکر در مطالعه‌ی کرمانی، متنی است ارزشمند:

- آیا انسان‌ها هرگز می‌توانند به معرفت خدا برسند؟
- ماهیت ایمان چیست؟
- داعیان فاطمی چه کسانی بودند و نقش آن‌ها، به ویژه نقش کرمانی، در کار دعوت چه بود؟
- کرمانی هنگام کار در دستگاه دعوت با چه چالش‌های خاصی رو به رو بود؟
- کار کرمانی چگونه به یکپارچه کردن دستگاه دعوت انجامید؟
- اهمیت کرمانی در تاریخ اسماعیلی چیست؟

تهیه شده توسط شبیم خان علی، مسئول برنامه‌ریزی، بخش هماهنگ‌کننده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی و انجمن‌های تعلیم و طریقه‌ی اسماعیلی در مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی، ۳ جولای ۲۰۰۰.